

ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری جهت تحقق وحدت امت

ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری جهت تحقق وحدت امت

دکتر محمد حسین مختاری

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی

چکیده

جهان اسلام امروز درگیر فتنه‌ای است که منشاء آن جریان‌های تکفیری است که نه با شیعه سر سازش دارد و نه اهل سنت را برمی‌تابد.

این جریان وابسته به غرب با قرائتی خودساخته از آموزه‌های اسلامی سعی در تخریب هر چه بیشتر اسلام در نگاه جهانیان دارد و برای رسیدن به این هدف از هیچ جنایتی واهمه ندارد.

لذا این مقاله در پی بررسی چرایی ضرورت مقابله با گروه‌های تکفیری در راستای تحقق وحدت امت است که با بررسی‌های انجام شده، لزوم نفی اسلام‌هراسی و ضرورت تبیین اسلام اصیل در جوامع بشری، به عنوان مهمترین اصل در مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری مورد توجه قرار گرفته است.

هم چنین ضرورت امنیت زایی برای جهان اسلامی و دیگر جوامع بشری، در حالی که گروه های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورها را متزلزل ساخته و ثبات و آرامش يك خانواده های مسلمان را به هم ریخته است بیش از پیش احساس می شود.

بی تردید تجمیع و تحقق مولفه های مذکور و تلفیق مقابله علمی و نظری و نظامی با هدف سرکوب کامل گروه های تکفیری، توطئه های آمریکا و متحدانش به ویژه عربستان، در ترسیم نظام دو قطبی در جهان اسلام متلاشی خواهد کرد.

کلیدواژگان: مقابله با جریانات تکفیری؛ اسلام هراسی، امنیت، فضای دو قطبی؛ اتحاد امت اسلامی

مقدمه

پدیده شوم تکفیر از جمله چالش های مهم در جهان اسلام است که از زمان امیر المومنین (ع) و از سوی خوارج آغاز و به جریانهای تکفیری عصر ما رسیده است.

اینچنین است که گروه های تکفیری جهان اسلام را که بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و انسجام نیاز دارد با چالش های متعدد مواجه کرده و همچون اسلاف خود، به جای مبارزه با دشمنان قسم خورده های اسلام، بذر تکفیر را در جهان اسلام مد پراکنند و قوای مسلمین را تحلیل مد ببرند.

از این رو جریان های تکفیری خطرناک ترین پدیده های اند که امت اسلام به خود دیده است. پدیده تکفیر با ایجاد فتنه در میان امت اسلامی، چالش های عظیم سیاسی، اجتماعی اقتصادی، فرهنگی منبعت از عملکرد این گروه های تروریستی، مقول صلح، وحدت، امنیت و پیشرفت را به شدت تهدید کرده است.

ظهور گروه های وحشت و ارهاب؛ همچون داعش، جبهه النصره، القاعده، سپاه صحابه، جند ا، طالبان، جیش العدل، و ... که وحشت و ترور را سرلوحه کار خود قرار داده اند، تبعات بسیار ناگوار در ایجاد خدشه علیه جهان اسلام و مسلمانان در سراسر جهان و ترویج اسلام هراسی به همراه داشته است.

حال با توجه به رخند روز افزون گروه های تکفیری در ممالک اسلامی، بر همه مسلمانان لازم است راه های

مقابله با آن را در پیش گرفته و در راستای تحقق وحدت امت اسلامی، این جریان‌ها و گروه‌ها را ریشه کن نمایند که در این راستا بالا بردن سطح آگاهی مسلمانان، ترویج تفکر وحدت، توسط علما در بین اقشار مردم و نیز مقابله سخت افزاری و نظامی در جهت نابودی کامل این گروه‌های تروریستی تکفیری مدّی‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد.

خواستگاه جریان‌های تکفیری

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در 1925، خلافت به عنوان مهمترین دغدغه مسلمانان اهل سنت مطرح شد، به نحوی که تعدادی از متفکران اهل سنت مصری، راهکار اصلی برای برون رفت از این وضعیت اسفناک را، بازگشت به سلف می‌دانستند.

لذا بازگشت به سلف نخستین بار در مصر طنین انداز شد، اما وهابیان از این شعار سوء استفاده کردند و خود را سلفی نامیدند و افکار ابن تیمیه را به عنوان افکار سلف ترویج کردند؛ و این چنین عده‌ای از دردمندان مسلمان به دام افکار ابن تیمیه افتادند و خشونت و تکفیر برگرفته از افکار ابن تیمیه را تبلیغ کردند. [1]

در این راستا گروه‌های تکفیری برای احیای خلافت اسلامی یا دست کم، تأسیس حکومت اسلامی به فتوای ابن تیمیه تمسک کرده، [2] گاه با حکم جهاد، تکفیر را در جهان اسلام نهادینه می‌کردند. [3]

از این رو به جرأت می‌توان مدعی شد همه جریان‌های تکفیری از متن گرایش‌های فکری سلفیه بیرون آمده‌اند و همه سلفیان تحت تأثیر ابن تیمیه‌اند که تجلی جنایات گروه‌های تکفیری را می‌توان در افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه مشاهده کرد، به نحوی که وی در آثار خود 917 بار از لفظ «کافر»، 892 بار از لفظ «یقتل»، 829 بار از لفظ «مرتد»، 219 بار از لفظ «یستتاب»، 97 بار از لفظ «حلال الدم» و 97 بار از لفظ «وجب توبه و الا قتل» استفاده کرده است. [4]

وی هم چنین با حرام دانستن تقلید از ائمه اربعه و اعتقاد به انفتاح باب اجتهاد، خود را مجتهد مطلق دانست و حتی فتوا داد که تقلید از ائمه اربعه کفر و ارتداد است. [5]

در کنار حرمت تقلید، فتاوی‌های شاذ دیگری از او صادر شد که تفرقه‌گرایی را در جهان امروز تشدید می‌کند. یکی از فتاوی‌های شاذ ابن تیمیه، جواز مقابله با غازان خان حاکم مغول مسلمان شده بود که با

اندیشه سیاسی اهل سنت ناسازگار است؛ لیکن همین فتوا، مستمسک گروه‌های جهادی برای مقابله با حاکمان سرزمین‌های اسلامی و ترور مخالفان قرار گرفته است. [6] به عبارت دیگر، نخستین فردی که مجوز جهاد علیه حاکم مسلمان را صادر کرد، ابن تیمیه است و امروزه جهادی‌ها با تمسک به فتوای جهادی ابن تیمیه، به قتل و کشتار مسلمانان روی می‌آورند.

در نتیجه در سی سال اخیر، گروه‌های متعدد و متنوعی از جریان‌های تکفیری در کشورهای اسلامی به وجود آمده‌اند که غالباً به یکی از سه جریان اصلی تکفیری وهابیت، سپاه صحابه و طالبان، و سلفیه جهادی (القاعده) وابسته اند؛ در این میان مهم‌ترین گروه، سلفیه جهادی است که جهاد را واجب دانسته، و صدها گروه از جمله داعش، جبهه النصره و القاعده به آن متعلق است.

بدون شک پیدایش سلفیه جهادی را باید در کتابی از سید قطب به نام معالم فی الطریق جستجو کرد؛ سید قطب با نگارش این کتاب در پی تبیین این مسأله بود که زندگی در دوران جاهلیت قرن بیستم (فرهنگ غرب)، که بدتر از جاهلیت زمان پیامبر است، باید از بین برود. اگر چه این نظریه بی‌اشکال است لیکن فراز دوم از نظریه سید قطب در این کتاب مبنی بر اینکه هر کس به این جاهلیت راضی باشد او هم کافر است و تمام شهرهای اسلامی، شهرهای جاهلی است، جهان اسلام را دچار تلاطم بی‌حد و حصر نمود زیرا هم‌مسلمانان و شهرهای آنها با حکم سید قطب کافر شدند. لذا توصیه سید قطب به پیروانش این بود که به مانند پیامبر (ص) باید از مکه جاهلی به مدینه النبی هجرت کنند و یک شهر اسلامی تشکیل دهند و سپس با جهاد، در تشکیل حکومت اسلامی بکوشند. [7]

این حکم اختلاف افکنانه موجبات جذب تعدادی از جوانان تندرو و افراطی اخوان المسلمین، به آراء و اندیشه‌های سید قطب را فراهم کرد و اینچنین گروه‌های تکفیری متعددی در مصر و کشورهای عربی تأسیس شد.

حال با این تفاسیر و پس از ظهور بیداری اسلامی، به ویژه در اتفاقات سوریه، القاعده سوریه با عنوان جبهه النصره اعلام موجودیت کرد و دیگر پیروان القاعده را به کمک طلبید. القاعده عراق نیز به رهبری ابوبکر البغدادی به سوریه رفت و در کنار جبهه النصره به جنگ علیه دولت سوریه پرداخت.

در این زمان گروه تکفیری داعش مهم‌ترین هدفش تشکیل حکومت در عراق و شام بود که شیعیان عراق و شام را مهمترین مخالف خود دانسته و با دولت سوریه و عراق در جنگ است. [8]

بی تردید حضور نظامی آمریکا در منطقه مهم ترین عامل در قدرت یا بی جریان های تکفیری، در یک دهه اخیر است. زیرا بر اساس تفکر سید قطب، که همه مشکلات را در جاهلیت قرن بیستم جستجو می کرد، یعنی همان جاهلیتی که در قرن بیستم به غیر از فرهنگ غرب و دموکراسی و اومانیزم ارمغان دیگری نداشت. [9] لذا با این اوصاف، حضور مداخله جویانه آمریکا، زمینه را برای شعله ور شدن آتش فرقه گرایي و تشدید جنایات جریانات تکفیری علیه مسلمانان در پوشش جنگ و جهاد علیه نیروهای غربی و متحدان آمریکا افزایش داده است، لذا در نگاه القاعده، آل سعود هم مثل بقیه حاکمان اسلامی، کافر است و فرقی میان آل سعود و دیگر حکومت ها نیست. [10]

بدین ترتیب نفوذ فرهنگ غربی موجبات احیاء و بازسازی اندیشه سیاسی اهل سنت در جهان اسلام را فراهم کرده است که منجر به ظهور تفکر سلفی مصر شده است، که در نهایت با کمک پول های عربستان و سیاست های مهار سوسیالیسم از سوی آمریکا، به تفکر سلفی وهابی نزدیک شد، اما از دل جریان سلفی اصلاحی اخوان المسلمین، جریان سلفیه جهادی بیرون آمد که به علت پذیرش یا سکوت در مقابل جاهلیت قرن بیستم، حکم به کفر و ارتداد تمام مسلمانان داد و البته این جریان پس از یازدهم سپتامبر 2001 و حمله آمریکا به افغانستان و عراق جایگاه مردمی خود را تقویت کرد و جوانان بسیاری از سراسر جهان به این تفکر روی آوردند و به القاعده و سپس داعش پیوستند.

از سوی دیگر حضور آمریکا در عراق موجبات سوء استفاده برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از تکفیری ها را فراهم کرد و فضا را به سمت جنگ شیعه و سنی سوق داد و داعش را به جنگ با شیعه ترغیب نمود.

جریانات تکفیری؛ ابزار کلیدی غرب در اسلام هراسی

مفهوم اسلام هراسی

در وهله نخست باید گفت اسلام هراسی [11] مفهومی است که به ترس، پیش داوری [12] و تبعیض [13] غیر عقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد. [14] سابقاً این اصطلاح به دهه 1980 م. بازمی گردد، اما پس از 11 سپتامبر سال 2001 م. مورد استفاده وسیع قرار گرفت. مؤسس رانیمد تراست [15] انگلستان، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می پردازد، در سال 1997 م. اسلام ترسی را به عنوان «ترس و نفرت از اسلام؛ و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان» تعریف کرد و همچنین ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد (exclusion) مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز

اسلام هراسي مهمترين هويت غربي با ابزار جريانات تكفيري

از آنجا كه نظام سرمايه‌داري، تنها رقيب خود را «اسلام» مدداند لذا براي منفي جلوه دادن چهره مسلمانان، جريانات تكفيري را كه با خشونت و ترور قرينداند، به عنوان هويت مسلمانان جلوه مدددهد و با استفاده از ابزارهاي رسانه‌اي قوي، سعی مددكند از تمايل شديد جوانان و جوامع اروپايي و آمريكايي به اسلام جلوگيري كند، زيرا غرب براي اينكه هژموني گفتماني خود را پس از جنگ سرد و فروپاشي شوروي حفظ كند، به يك غير نياز داشت كه همانا «اسلام» بود [16]، از اين رو اسلام هراسي به ابزاري مهم در تثبيت و تقويت هويت غربي بدل شد، لذا پس از آنكه نتوانستند با موج فزاينده تمايل به اسلام در اروپا و آمريكا مقابله كنند تلاش كردند با نشان دادن چهره اي خشن از اسلام، جوانان و مردم اروپا و آمريكا را از اصل اسلام بترسانند و بگريزانند و جوامع مادي و مسيحي خود را از موج اسلام خواهی مصون بدارند و اسلام هراسی و اسلام ستیزی را با اسلام اصیل جا یگزین کنند.

در اين ميان تصويري كه جريانات تكفيري در اختيار رسانه هاي غربي قرار مدددهند، چهره خشونت آميز و متصلب از اسلام رحمانی است، و مردم دنيا را از اسلام ناب دور مددكند.

لذا سهم غرب در اسلام هراسی و در پی آن، اسلام ستیزی را هرگز نمدمتوان نادیده گرفت؛ پس از حوادث يازده سپتامبر، غرب مددها طرح اسلام هراسی را بر طبق خواسته «برنارد لوييس» [17]، [18] به وجود آوردند. آنان مددلهای افراطي را در پهنه جغرافياي اسلامي، به منظور زشت نشان دادن چهره‌اي اسلام، حمايت كردند تا به نظريه جاذبه اسلام، كه ديگر غربيان، از آن سخن مددگفتند، خاتمه دهند. به گفته ادوارد سعيد، نگاه استنناگرايانه غرب و يا همان غيريت سازي، موجب شده است كه براي معرفي غرب خوب، اسلام و يا مسلمانان بد، ملاك قرار گيرند. [19]

و يا از دیدگاه اليويه روآ، محقق فرانسوي حوزه‌ي جنبش‌هاي اسلامي، دين‌داري خالص اسلامي همواره در فرهنگ ملي يا محلي ريشه دارد و اين نوع دين‌داري ريشه‌ي پديده‌ي تروريسم نيست. در واقع شاخه‌ي راديكال اسلام گرايي محصول چيزي است كه آن را «سرزمين‌زدائي از اسلام» مي‌نامد. يعني آحاد جوانان مسلمان ريشه‌هاي فرهنگي خود را از دست داده و در جامعه‌ي كشورهاي غيراسلامي رها شده‌اند. اين مسئله روشن مي‌كند كه چرا سرمنشأ بسياري از اسلام گرايان راديكال، غرب است و نه منطقه‌ي غرب

لذا اسلام‌گرای افراطی داعش اساساً محصول مدرنیته و جهانی شدن است که البته در صحنه‌ی میدانی نیز به‌جهت هم‌راستایی با منافع راهبردی غرب، نظام سلطه از آن حمایت می‌کند.

از سوی دیگر باید گفت غرب که با رشد سریع اسلام در جهان روبه‌روست، امروزه به شدت بر پروژۀ اسلام علیه اسلام تأکید می‌ورزد و با حمایت از گروه‌های افراطی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قدرت و قوت مسلمین را تضعیف میکند و از طرف دیگر، چهره‌های مشوّه از مسلمین در برابر جهانیان ترسیم مینماید.

اسلام هراسان؛ تکفیریون؛ دو روی یک سکه

باید تأکید کرد خدمات متقابل اسلام هراسان و تکفیریون؛ [21] در راستای نشان دادن چهره‌های خشن و غیرانسانی و پرخاشگر از اسلام، که از دیرباز جزو تئوری و نقشه‌ی راه کشورهای استعمارگر بوده است، منحصر شده است.

اینگونه است که در پیوند با نوع ارتباط داعش با رژیم اسرائیل و قدرت‌های غربی، «ادوارد اسنودن»، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا اعلام کرد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور»، گروه داعش را تشکیل دادند. [22]

در سال‌های اخیر استفاده از جریان‌های تکفیری در جهت اسلام‌هراسی و مقابله با گسترش اسلام در غرب به عنوان مهمترین پروژه قدرت‌های بین‌المللی با استفاده از ابزار رسانه مورد توجه قرار گرفته است تا زمینه‌گرایش به اسلام در جهان معاصر کاهش یابد. که آخرین تجربه نیز مربوط به حمایت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق است که برای تضعیف محور مقاومت در منطقه (ایران-عراق-سوریه- حزب الله و حماس) از این جریان حمایت می‌کنند.

در این زمینه مقام معظم رهبری، ایجاد اسلام‌هراسی در جهان و نشان دادن چهره‌های زشت از اسلام را یکی از مصادیق تهدید نرم جریان‌های تکفیری بر شمرده و در این خصوص فرمودند: «جنگ گروهی مسلمان با گروهی دیگر... هم مسلمان‌ها را به جان هم می‌اندازند، هم با بزرگ‌نمایی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، اسلام را در چشم افکار عمومی دنیا زشت جلوه می‌دهند؛ وقتی تلویزیون‌ها يك آدمی را نشان می‌دهند که به نام اسلام، جگر يك انسانی را دارد می‌خورد و می‌خورد، درباره اسلام چه فکر می‌کنند؟ دشمنان اسلام برنامه‌ریزی کردند». [23]

در عصر حاضر نیز، جریان‌های تکفیری در گوشه و کنار جهان اسلام جنایت‌هایی را رقم می‌زنند که نمونه آن را در تاریخ اسلام، کمتر می‌توان دید. سربریدن، آتش زدن، مثله کردن، تجاوز به نوامیس، نابودی اموال و تخریب بناهای مقدس، گوشه‌هایی از جنایاتی است که آنان به نام اسلام مرتکب می‌شوند.

این جنبش‌های خشونت‌گرا، مثل داعش، جبهه النصره و القاعده... اسلام هراسی را تغذیه کرده و تشدید این تراژدی را در غرب رقم زده است.

بنا بر این سیاست‌های اسلام هراسی و محکوم کردن مسلمانان به عنوان تروریست، نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی تکفیری است که این بهانه را در اختیار آمریکا قرار داد و ایالات متحده نیز با توجه به توان نظامی و رسانه‌ای خود، از این ابزار برای رسیدن به منافعش بهره کافی برد.

بدین ترتیب مجموعه جنایات گروه‌های تکفیری موجب تغییر چهره اسلام و مسلمین در نزد جهانیان شده است؛ به نحوی که تا چند سال پیش و قبل از بالا گرفتن غوغای تکفیرب‌ها چهره اسلام و مسلمان برای یک اروپایی و آمریکایی چهره آرام و مودب و متین یک زن یا مرد مسلمان با لباس و حجاب مناسب و تمیز و سفید بود که با قرآنی در دست و لبخند زنان و آراسته و با وقار مردم اروپا و آمریکا را با علم و استفاده از عقل و خرد به قرآن و اسلام و عدالت اسلامی دعوت می‌کرد، ولی اکنون چهره یک مسلمان فردی خشن و نارنجک بر کمر بسته و تفنگ در دست با محاسنی انبوه و چهره‌های خشن و نامرتب و صورتی بسته و لباسی سیاه و هم‌آور بر تن که فریاد می‌زند و می‌کشد و آتش می‌زند و قلبی خونین در دست دارد به جهانیان معرفی می‌شود حال با این تفاسیر چه آینده‌ای از اسلام در ذهن کودکان و نوجوانان اروپایی و آمریکایی به جا خواهد ماند؟

حال با وجود دشمنان مشترک امت اسلامی همچون آمریکا و اسرائیل و گسترش موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب، ضرورت تقویت هم‌گرایی و تقریب ملل مسلمان بیش از پیش نمایان می‌شود، به ویژه آنکه بدانیم همه گروه‌هایی که برای ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف مسلمین اصرار می‌ورزند و با سلاح تکفیر به آتش فتنه و تفرقه در میان مسلمانان دامن می‌زنند به صورت مستقیم در موفقیت معاندان اسلام در ایجاد اسلام هراسی شریک هستند. بلکه طرح اساسی غرب برای ایجاد حس اسلام هراسی استفاده از روش هویت علیه هویت بوده است یعنی راه اندازی گروه‌هایی که به ظاهر هم‌مسلمان هستند تا توسط آنان ریشه اسلام را بزنند و گروه‌های تکفیری دقیقاً ابزار دست غرب برای ترویج پدیده اسلام هراسی هستند.

صیانت از امنیت جهان اسلام در گرو سرکوب جریان‌های تکفیری

گفتنی است به موازات اسلام‌گرایی، اقلیت‌های قومی و مذهبی در خاورمیانه دیگر حاضر به تمکین در برابر رژیم‌های اقتدارگرا نشدند و شیعیان، مسیحیان، قبطی‌ها، کردها، بربرها و دیگر اقلیتها در برابر فرایند یکسان‌سازی رژیم‌های اقتدارگرا و موروثی یا پاتریمونیال [24] مقاومت کردند.

این وضعیت از یک سو ابزاری برای اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» در اختیار غرب قرار داد و از سوی دیگر منبعی برای بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه شد. [25]

شکی نیست که صلح و دوستی، زیباترین واژه‌هایی است که دل هر انسان آزاده‌ای را جذب خود می‌کند و به روح و روان او طراوت و صف‌ناپذیری می‌بخشد؛ اما جریان تکفیری «وها بیت» و گروه‌های کوچک دیگر، از جمله کسانی هستند که پایه‌های صلح و امنیت جامعه اسلامی و بلکه امنیت جهانی را متزلزل کرده‌اند و هر روزه تعدادی از مسلمانان بدگناه را با حربه تکفیر می‌کشند.

لذا جریان‌های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورهای اسلامی را متزلزل ساخته و ثبات و آرامش یک خانواده‌ی مسلمان را به هم ریخته است. به گونه‌ای که فرزندان پدر را تکفیر می‌کند و برادر، برادرش را بدلیل اینکه پلیس یا سرباز است، می‌کشد. زیرا او در نظرش از طاغوت است و قتلش طبق عقیده‌ی آن‌ها حلال و باعث نزدیکی به خداوند است.

در این بین مشارکت جریان‌های تکفیری همچون داعش با افسران و بازماندگان حزب بعث عراق و نیز خاندان صدام در مبارزه با دولت عراق و هم‌چنین همکاری مخالفان دولت بشار اسد با سلفی‌هایی، همچون داعش، القاعده و گروه تکفیری النصره در جبهه سوریه و درکنار آن همکاری مستقیم این جریان‌ها با برخی کشورهای غربی و منطقه، ناامنی و رعب و وحشت را به ارمغان آورده است.

هم‌چنین فرو افتادن سوریه در بی‌ثباتی و منازعات داخلی که از ویژگی‌های فرقه‌ای نیز برخوردار شده است، به القاعده فرصت داده که نیروهای خود را از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، پاکستان، کشورهای عربی مانند عراق، عربستان سعودی و شمال آفریقا به خصوص تونس و لیبی به سوریه منتقل کند. با گذر زمان بحران سوریه به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های سیاسی و امنیتی برای منطقه و امنیت بین‌الملل تبدیل شد. شعارها در سوریه عمدتاً طایفه‌ای، فرقه‌ای و حتی مستهجن طرح شده‌اند و بدون تردید شعارهای گروه‌های مسلح در حمایت از آمریکا، ترکیه و قطر و نیز بر ضد سیاست خارجی دولت سوریه را باید آدرسی از منابع و سرچشمه‌های این جریان‌ها به حساب آورد. [26]

از این روگروه های تروریستی تکفیری بزرگترین خطری است که امروز از يك طرف امنیت و آرامش جامعه اسلامی و از طرف دیگر آبروی اسلام و مسلمان را در نزد جهانیان تهدید میکند. بلکه در کشورهای اسلامی امنیت، آسایش و مهربانی، جای خود را به خشونت، افراط، انفجار و انتحار داده است.

حال آنکه بر خلاف اعمال گروههای تکفیری، با استناد به کتاب و سنت می توان دریافت که خشونت و افراطگرایی در فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد و اسلام برای آسایش و امنیت افراد، اهتمام و توجه ویژه ای دارد. [27]

در تبیین این مسأله مهم باید به تاریخ اسلام نیز مراجعه کرد، به عنوان نمونه کسانی که از نظر اندیشه، امام علی (ع) را تکفیر کردند در جامعه اسلامی با امنیت زیستند و آنان همان خوارج بودند که حضرت به دلیل این مسئله با آنان به پیکار برخاست، بلکه نبرد حضرت با آنان پس از اختلال در امنیت، راهزنی و ارتکاب قتل وحشیانه صورت پذیرفت.

بنا بر این جریانهای تکفیری در برانگیختن جنگها و تعصبات مذهبی و طایفه ای میان بخشهای مختلف جامعه اسلامی، از بین بردن انسجام داخلی و اجتماعی میان بخشهای جامعه اسلامی، نابودی امنیت داخلی و ثبات سیاسی و اجتماعی... امت اسلامی را برای تخریب و نابودی این امت و این دین سوق می دهند و از آنجا که اسلام دین کرامت و عدالت و خواهان امنیت برای جامعه اسلامی و دیگر جوامع بشری است لذا گروههای تکفیری که راه جمود و تجر و افراطگرایی را در پیش گرفته اند، نمیتوانند ترورها و رفتارهای خشونت آمیز خود را در کشتن دیگران و ایجاد رعب و وحشت را مستند به جهاد اسلامی نمایند.

حال آنکه امنیت فراگیر و همه جانبه، یکی از بنیادینترین عناصر پیشرفت است. تا امنیت به وجود نیاید و رفتارها بر اساس پایه های عقلانی استوار نگردد و خشونت از جامعه دور نشود، نمیتوان به پیشروی و حرکت جامعه ای به سوی نقطه مطلوب امید داشت. این امر در کشورهای اسلامی، متأسفانه در نیم قرن اخیر، به ویژه در دو دهه اخیر، با چالشی جدی روبه رو شده است. گروههای تکفیری به نام دین و به پندار خود، برای انجام دادن واجب دینی جهاد، به ناامنی در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی روی آورده، خشونت های بسیاری آفریده اند. در برخی از کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهایی که گرفتار رفتارها و اعمال خشونت آمیز سلفی و تکفیری بوده اند، قتلها و کشتارهایی که گاه به سادگی انجام میشود، تصویر و تصور امنیت را از این کشورها برداشته است؛ امری که زمینها و بسترهای عقبماندگی را در این کشورها فراهم کرده است.

جریان‌های تکفیری امروزه در قالب گروه‌هایی هم چون داعش و النصره، ثبات منطقه‌ای و به خصوص امنیت مردم در سوریه و عراق را با تهدید جدی روبه‌رو کرده‌اند، اما با توجه به اقداماتی که گروه‌های تکفیری در منطقه انجام داده‌اند و با عنایت به سابقه عملکرد گذشته آن‌ها در تهدید صلح و امنیت جهانی، و ضعف مفروض سازمان ملل و شورای امنیت در مقابله با گروه‌های تکفیری، ضرورت مقابله و سرکوب کامل جریان‌های تکفیری توسط جمهوری اسلامی ایران و متحدین استراتژیک او در منطقه باید از روش‌های مختلف از جمله جنگ نیابتی و ارسال تجهیزات به گروه‌های اسلامی (حزب الله لبنان، شیعیان عراق و گروه‌های اسلامی سنی معتدل) صورت پذیرد، زیرا در صورت سرکوب این گروه‌ها تا حدود زیادی از جرئت و توان آن‌ها در منطقه کاسته خواهد شد.

مقابله با جریان‌های تکفیری؛ راهکار بنیادین در نفی قطبی‌سازی جوامع اسلامی

لازم به ذکر است رشد جریان‌های تکفیری و عدم مقابله موثر با آن، فرآیند اسلام‌گرایی را با چالش کلیدی قطبی‌سازی جوامع اسلامی تضعیف کرده و با تفرقه‌گرایی و تقابل میان شیعه و سنی مواجه خواهد کرد.

یعنی همان رویکردی که از سوی گروه‌های تروریستی النصره، داعش و القاعده در سوریه و عراق در حال وقوع است که علاوه بر به وجود آوردن بحران در سوریه و عراق، به دنبال دو قطبی‌کردن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند که در صورت وقوع این امر، روند اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

مفهوم اسلام‌گرایی

در دنیای معاصر با فرائد‌های متعددی از اسلام نظیر اسلام سنتی، اسلام‌گرایی، حرکت اسلامی، بنیادگرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی روبه‌رو هستیم که حاکی از برداشت‌های مخالف و وجود گروه‌های متفاوت اسلام‌گرا در جوامع اسلامی است. [28] براساس نظریه‌ای گفتمان، اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، به عبارتی، در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظام یافته است. [29] یکی از مهم‌ترین کسانی که این مفهوم را در شکل عام آن استخدام کرده، «جان اسپوزیتو»

است. وی در این خصوص می‌گوید: اسلام سیاسی عبارت است از: «احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی». [30]

به عبارتی، اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی معتبر جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و «اسلام، راه حل است» شعار اصلی آن است. در این دیدگاه، مسلمانان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند. این شعار بیشتر در کشورهای شنیده می‌شود که اسلام‌گرایان در براندازی رژیم‌هایی خود مشارکت دارند؛ هم‌چنین در کشورهای که گروه‌های اسلامی قادر بوده‌اند به توسعه اهداف خود از طریق مشارکت در داخل سیستم سیاسی موجود [نمونه آرمانی آن جمهوری اسلامی ایران] بپردازند. [31]

جریان اسلام‌گرایی به رهبری اندیشمندان و عمل‌گرایان مسلمان در دوران معاصر به ویژه پس از فروپاشی نظام دوقطبی از جمله محورهای چالش برانگیز، در دستور کار نظم نوین جهانی بوده است. اسلام‌گرایی در وجوه مختلف ایدئولوژیک، فرهنگی و امنیتی راهبرد مرکزیت سیستم سرمایه داری لیبرال غربی را به چالش کشیده و دعوی نظم نوین برای اداره جهان و ترسیم آینده روابط بین‌الملل در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی و نیز حل عادلانه منازعات و اختلافات دارد. سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، سید محمد رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا، ابوالعلی مودودی، ابولحسن ندوی، سید قطب، و امام خمینی از جمله رهبران اسلام‌گرای دوران معاصر بوده‌اند. [32]

صیانت از وحدت امت اسلامی در پرتو مقابله با قطبی‌سازی جریان‌های تکفیری

باید اذعان نمود رشد جریان‌های سلفی- تکفیری با حمایت دولت‌هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه، در حال حاضر به منازعه‌ای مذهبی در قالب تقابل شیعه- سنی انجامیده، که در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان به دست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق عینیت یافته است. به نحوی که طیف معتدل سلفی‌گرای، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احیاناً «جوامع سنی در معرض تهدید و هجمه آن‌ها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی سلفیون، بی‌اهمه، تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند. [33]

تحلیل گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه [] از نظریه پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره به عنوان یک نظام نشانه‌شناسی اثبات می‌سازد که: «شیعه نه تنها از مارکین و خارجیین از امت است، بلکه متعلق به دین خودساخته‌ای

است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویرسازی ضد ایرانی ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، همه‌روزه در عراق، سوریه... در حال به روز شدن است. به ویژه پس از سال 2003 که از نظر سلفی‌ها، عراقی از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است. [34]

از سوی دیگر اهداف ایران بعد از انقلاب 1979 م. بر محور صدور انقلاب، موجب نگرانی کشورهای منطقه و به خصوص پادشاهی عربستان سعودی شد. زیرا هرگونه صعود و پیشرفت نهاد انقلابی ایران در منطقه می‌توانست پادشاهی‌های دولت‌های خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی را به خطر بیندازد. از دیدگاه عربستان، ایران همیشه در این رویا بوده که رهبر معنوی جهان اسلام باشد. در همین راستا ما شاهد یک حمایت قوی و واضح عربستان سعودی از اعتراض‌کنندگان سنی در منازعات سوریه، لیبی و یمن [35] و همچنین جریان‌های تکفیری در بحران‌های اخیر سوریه و عراق علیه شیعیان هستیم.

در واقع، رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در سوریه و عراق می‌تواند، قدرت شیعیان منطقه را که به ایران نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آن‌ها را در مقابل ایران که در دهه‌های گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان سعودی و قطر شورش‌های اخیر فرصتی به منظور خارج نمودن سوریه و عراق از صف متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آن‌ها در شمارش مدیترانه برای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران، است. [36]

در همین راستا عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی- تکفیری از جمله داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، النصره و... نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی خونین در منطقه به وجود آورد و در نتیجه، اسلام‌گرایی در جهان اسلام را با چالشی اساسی و مواجه نماید. به عبارتی، درگیری میان گروه‌های مختلف در جهان اسلام و منطقه (به خصوص میان گروه‌های تکفیری و شیعه) که متأثر از تحریک عربستان سعودی و قطر است، تا حدود زیادی به رشد اسلام‌گرایی ضربه خواهد زد، زیرا در نهایت به جای این که گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند به یک اتحاد منسجم در راستای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام برسند، در یک منازعه طولانی فرو خواهند رفت. هم‌چنین به جای این که اسلام‌گرایی، به عنوان الگو و جانشین موفقی در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی مطرح باشد، به دلیل منازعات مذهبی خود به چالش تبدیل خواهد شد.

بنابراین تشدید مبارزه فکری و فرهنگی و نظامی علیه جریان‌ات تکفیری در جهان اسلام و نیز موضع‌گیری

علمای مذاهب اسلامی و مدیریت رویکرد جهان اسلامی در اتخاذ مواضع خارج از تفسیر دو قطبی شیعه و سنی، می تواند وحدت روز افزون امت اسلامی را محقق سازد.

نتیجه

بی تردید برای تحقق وحدت اسلامی و رفع چالش‌های رشد جریان‌های تکفیری فراروی اسلام‌گرایی، باید از راهکار دیپلماسی ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی و نقش‌سازنده نهاد تقریب مذاهب بهره گرفت؛ هم‌چنین مقابله نظامی با جریان‌های تکفیری، در واقع، زمینه‌ساز ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی است که می‌تواند زمینه‌ساز هم‌گرایی دیدگاه‌ها و نظرات امت اسلامی، در قبال خطر جریان‌های تکفیری را فراهم نماید.

در همین راستا، کاربرد نهاد تقریب مذاهب و کاهش اختلاف استراتژیک میان کشورهای اسلامی و سوق دادن توجهات به طرف منازعه اسرائیل و مسلمانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از طرف دیگر، سرکوب فراگیر گروه‌های تروریستی تکفیری از روش‌های مختلف، می‌تواند تا حدود زیادی از گسترش فعالیت این گروه‌ها در منطقه و جهان اسلام جلوگیری کند.

بنابراین پیوند مبارزات علمی و نظامی از سوی امت اسلامی در راستای نابودی جریان‌های تکفیری، بستر ساز اتحاد امت اسلامی و نفی اسلام‌هراسی و بسط و گسترش اسلام نبوی خواهد بود.

هم‌چنین اهتمام و موفقیت ملت‌ها و دولت‌های مسلمان در نابودی کامل گروه‌های تروریستی تکفیری، نعمت‌ذی‌قیمت امنیت و آرامش را در سراسر گیتی به ویژه کشورهای اسلامی به ارمغان خواهد آورد که حصول این مهم از جمله آثار و برکات جلوگیری از دو قطبی‌سازی و اختلاف افکنی میان شیعه و سنی است، و موج عظیم اسلام‌گرایی را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

کتابنامه

1. رمضان البوطی، محمد سعید، سلفیه بدعت یا مذهب: نقدی بر مبانی وهابیت، تقریب: واعظ زاده خراسانی، ترجمه: حسین صابری، چاپ چهارم، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد 1389 ش.

2. رشید رضا، محمد؛ الخلافة او الامامة العظمی، دراسه و تقدیم وجیه کوثرانی، بیروت، دار الطلیعة، بی تا.
3. عبدالسلام فرج، محمد، الفریضه الغائبه، مصر (بی نا، بی جا، بی تا).
4. ابواللوز، عبدالحکیم، الحركات السلفیه فی المغرب، مرکز دراسات الوحدة العربیه، مغرب 2009 م.
5. ابن تیمیه، مجموعه فتاوی، مصر، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.
6. مسجد جامعی، محمد، زمینہ های سیاسی حکومت اسلامی در تشیع و تسنن، چاپ اول، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب 1387 ش.
7. مصطفی مصطفی، حمزه، «جیهه النصره لاهل الشام من التأسیس الی الانقسام»، مجله دراسات السیاسیه، مرکز العربی للابحاث و دراسات السیاسات، ش 5، نوامبر 2013 م.
8. معالم فی الطریق، مکتبه وهبه، 1964 م / 1384 ه.ق.
9. جمعی از محققان، عقیده الطاعة و تددیع المختلف السلفیه الجامیه؛ (بی نا، بی جا، بی تا).
10. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه ی خنجی لطفی، تهران، امیرکبیر، 1394 ش.
11. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1395 ش.
12. نصر اصفهانی، ابازر، کتاب شناسی تکفیر، 1جلد، دار الإعلام لمدرسه اهل البیت (علیهم السلام) - قم - ایران، چاپ: 1، 1393 ه.ش.
13. یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.
14. جمشیدی راد، محمد صادق و محمود پناهی، سید محمد رضا، «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی

ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره 5، زمستان 1391.

15. سعید، بابی، هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام گرایي، ترجمه ی غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران، 1379.

16. اسپوزیتو، جان، جنبش های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه ی شجاع احمدوند، نشر نی، تهران 1389.

17 سیدنزاد، سید باقر، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، مسلسل 47، بهار 1389.

18 Fredman, S. (۲۰۰۲). Discrimination Law. Oxford: Oxford University Press .۲۰۰۲

19 Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press.

20 Fuller, Graham (2006-2007), "The Hizballah-Iran Connection: Model for Sunni Resistance?", The Washington Quarterly, Vol. 30, No. 1..

21 Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed) SSues in wondei.

22 . the Saudi American Relations", report of Al Jazeera Center for Studies.

23 .Hassan,Hassan (2013) "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists",in: The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey as 9 Daniel Levy, The European Council on Foreign Relations.

[1] ر.ک:محمد سعید رمضان البوطي، سلفیه: بدعت یا مذهب، ص 248 به بعد.

[2] ر.ک: سيد محمد رشيد رضا، الخلافة و الامامة العظمي، تمام كتاب.

[3] ر.ک: محمد عبدالسلام فرج، الفريضة الغائبه، تمام كتاب.

[4] ر.ک: عبدالحكيم ابواللوز، الحركات السلفيه في المغرب، ص 113.

[5] ابن تيميه، مجموع فتاوي ابن تيميه، ج4، ص 124.

[6] ر.ک: محمد عبدالسلام فرج، الفريضة الغائبه، ص 21. در اين كتاب با استناد به فتاوي ابن تيميه، جنگ عليه تمام حاکمان اسلامي، نه تنها مجاز، بلکه واجب دانسته شده است.

[7] ر.ک: محمد مسجد جامعي، زمينه هاي سياسي حكومت اسلامي در تشيع و تسنن، ص 160-169.

[8] ر.ک: حمزه مصطفي مصطفي، «جبهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسية، مركز العربي للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013م.

[9] ر.ک: سيد قطب، معالم في الطريق، ص 143.

[10] ر.ک: جمعي از محققان، عقيدة الطاعة و تبديع المختلف السلفية الجامية كه به نقد تفكرات سلفيه جهادي درباره آل سعود پرداخته است. هم جنين نامه هاي ابوليد مصري به محقق استراليايي درباره القاعده و جواب ايشان درباره حاکمان عربستان و ايران در اينترنت.

[11] Islamophobia.

[12] Prejudice.

[13] Discrimination.

[14] (Fredman,p121).

[15] Ronneymede Trust.

[16] سعید، ادوارد (۱۳۷۹)، شرق‌شناسی، ترجمه‌ی خنجی لطفی، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸.

[17] Bernard Lewis.

[18] مورخ 94 ساله یهودی انگلیسی امریکایی متخصص تاریخ خاورمیانه و نامدارترین کارشناس روابط بین اسلام و غرب.

[19] برای آشنایی با نظریه ادوارد سعید ر.ک: شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

[20] Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press, p.۲۵.

[21] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 188.

[22] کافیلوکی، (1394)، بهار عربی یا بهار القاعده؟، سایت دیپلماسی ایرانید (http://www.irdiplomacy.ir/fa/ir.irdiplomacy.ir/page/fa/ir.irdiplomacy.ir/2/3/1394:1947912)

[23] بیانات مقام معظم رهبری؛ 29/10/1392.

[24] Patrimonial.

[25] (Fuller, 2006-2007: 140-141).

[26] یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.

[27] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 107.

[28] جمشیدی راد و محمود پناهی، « مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره 5، ص128.

[29] بابی سعید، هراس بنیادین: اروپا مداري و ظهور اسلام گرایي، ص20.

[30] اسپوزیتو، جنبشهای اسلامی معاصر، ص22.

[31]. Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed) SSues in wondei.

[32] جمشیدی راد و محمود پناهی، همان، ص 129.

[33] سید نژاد، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، ص109.

[34] همان، ص 108.

[35] "The Saudi American Relations" report of .Al Jazeera Center for studies.

[36] Hassan Hassan, "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists", in: The Regional struggle for Syria, edited by Julien Bames-Dacey and Daniel Levy, The European Council on Foreign Relations.